دوفصل‌نامه علمی - تخصصی
مطالعات تاریخی امت‌اسلامی
س٤، ش٨، پائیز و زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۷۹ تا ۱۰۰

Quarterly Journal Historical Studies of Islamic Community
Vol.4, No.8, fall & winter 2021-2022
P 79 - 100

شخصیت حمزه بن عبدالمطلب در منابع اهل سنت

فاطمه علی‌خانی[۱]

چکیده

در صدر اسلام افرادی نمایان هستند که در روند رخدادهای تاریخ اسلام جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده‌اند و در منابع اسلامی نسبت به آن‌ها اهتمام ویژه‌ای شکل گرفته ازجمله آن‌ها حمزه بن عبدالمطلب می‌باشد که در اینجا شخصیت حمزه با تمرکز به منابع اهل سنت بررسی می‌گردد تا هویت آشکاری از ابعاد پنهان این صحابی پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) را پیشاروی ما قرار دهد و پرده از نقاط مبهم وی باز کرده و مسیر الگودهی برای پویندگان مسیر ایشان را هموارتر سازد و موجبات انسجام و وحدت بخشی بیشتری را بامطالعه این شخصیت در بین فرق اسلامی برایمان فراهم نماید. جهت نیل به این مقصود با نقل گزارش‌های تفسیری، تاریخی، حدیثی اهل سنت و تحلیل این اخبار به کاوش در گونه‌های شخصی و شخصیتی حمزه پرداخته می‌شود. با تفحص در کتب علمای اهل سنت چهره متفاوتی از حمزه در قبل از اسلام را مشاهده می‌کنیم که موردعنایت خاص جامعه مکه واقع می‌شود و با بعثت نبی اکرم (صلی‌الله علیه وآله) منهای تعصبات قبیلگی به دفاع همه‌جانبه از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) پرداخته و عملکردهای پس زننده‌ای را از آن دشمنی قریش رقم می‌زند امتداد حمایت‌های وی موجبات نگرانی جبهه کفر را از سوی حمزه سبب شد و برای از میان برداشتن ایشان تلاش کرده و شهادت دردناکی را از آن حمزه ثبت کردند. نحوه برخوردهای حمزه با رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) و دعوتش چنان بود که از سوی خدا و رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) فضائلی در رابطه با ایشان صادر شد. با توجه در کتب تفسیری‌شان نزول این آیات درباره حمزه بیان خواهد شد و نیز

---

[۱]. سطح سه تفسیر جامعه الزهراء سلام الله علیها، ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ادیان
f.alikhani.f.f.a@gmail.com.

با نگرش در روایات و اقوال صحابه و تابعین و علما به تبیین ویژگی‌های حمزه پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

شخصیت، حمزه بن عبدالمطلب، صدر اسلام، منابع اهل سنت

مقدمه

بعثت حضرت محمد (صلی‌الله علیه وآله) در میان قبائل قریش که از خویشان حضرت محسوب می‌شدند با توجه به ویژگی خاص این گروه اجتماعی که داشتند در برخوردشان نسبت به دعوت حضرت بسیار مؤثر بود و سرسختی بالای آن‌ها کار را برای پیشبرد اهداف پیامبر خدا (صلی‌الله علیه وآله) دشوار می‌کرد. در این میان قبیله بنی‌هاشم از قبائل مهم قریش و به‌عنوان اینکه فامیل‌های حضرت محسوب می‌شدند با عملکردهای مثبت و منفی در برابر حضرت نقش مهمی در تاریخ اسلام ایفا کردند و همان‌گونه که عناصر بازدارنده آن‌ها، بیشتر نیروی حضرت را به مصرف رسانده و مانع پیشرفت اسلام شدند، افراد همراه پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) از فامیل ازجمله عموی کوچک حضرت، حمزه بن عبدالمطلب (۳ق) از ابتدای پذیرش اسلام عنصر مؤثری در یاری پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) شد و از آغاز موجب نگرانی سردمداران شرک را فراهم کرد و وقتی رشادت‌های وی را ملاحظه کردند با تمام توان این بازوی نیرومند رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) را چنان حذف کردند که گویی همه کینه‌های خود از رسالت پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) را بر تن حمزه پیاده کردند ولیکن شخصیت حمزه همچنان در قرآن و روایات و اشعار و نظرات علما در منابع مؤید این شخصیت تاریخ اسلام است شناختن چنین شخصیتی در تاریخ اسلام در این ابعاد وسیع ذهن کنجکاو هر مسلمانی را به‌سوی می‌کشاند تا بیشتر با وی و عملکردهایش آشنا شود. این گفتار ابتدا به معرفی شناخت کلی حمزه و سپس به نقل و نقد شخصیت حمزه با محوریت منابع تاریخی، تفسیری و حدیثی اهل سنت در دوازده قرن هجری می‌پردازد.

درباره حمزه در مقالات به زبان‌های عربی و فارسی به نگارش در آمده که بیشتر به معرفی کلی ایشان می‌پردازد ازجمله آن‌ها: مناقب حمزه نوشته جعفرالحسینی، حمزه سیدالشهدا به قلم محمد نجمی، در این نوشته با دیدگاه شناخت شخصیت حمزه در منابع اهل سنت پرداخته می‌شود که با نگرش‌های نگارش‌های پیشین دراین‌باره در موضوع متفاوت است. در پژوهش‌های انجام گرفته بیشتر سیر کلی زندگی حمزه مدنظر بوده ولیکن در این نوشته ابعاد شخصیت حمزه

با تمرکز به منابع اهل سنت موردتوجه قرارگرفته است.

شناخت حمزه بن عبدالمطلب

۱. خاندان حمزه

حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی القرشی. مادرش هالهٔ بنت أهیب بن عبد مناف بن زهرهٔ بن کلاب بن مرهٔ (ابن سعد، ۳، ۸) و با خواهرش صفیه همسر عوام بن خویلد و مادر زبیر بن عوام، دو قلو بودند (ابن اثیر،۷، ۱۸۷) مکنی به بایعلی، ابا عماره، اسدالله (ابن قتیبه،۱، ۶۰۰)، سیدالشهدا (طبرانی،۳، ۱۵۱) وی فرزند کوچک عبدالمطلب (۸ عام‌الفیل) بوده است.

او دو (ابن حبان،۳، ۷۰) یا سال چهار (واقدی،۱، ۷۸) سال از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) بزرگ‌تر بود که اولی در ستر است و گزارش سن وی در موقع شهادتش که ۵۴ سال (حاکم نیشابوری،۳، ۲۱۷) ذکر شده صحیح نمی‌باشد. سایر برادران رضاعی حضرت را اباسلمه بن عبدالاسد (بلاذری،۱، ۴۰) و جعفر بن ابی‌طالب (یعقوبی، ۲، ۹) بیان کرده‌اند.

همسر حمزه را سلمی بنت عمیس (وفات نامعلوم)، گفته‌اند که خواهر اسما بنت عمیس (ابن سعد، ۸، ۱۵۸) همسر جعفر بن ابی‌طالب بوده و دیگر خواهرانش میمونه بنت الحارث همسر پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) و ام الفضل بنت الحارث همسر عباس بن عبدالمطلب، بودند که از وی دختری به نام عماره یا فاطمه یا ام الفضل به دنیا آمد. (مزی،۱۵، ۳۹۱) ام ورقه یا امامه از دیگر اسامی است که برای عماره گزارش شده است (ابن حبان،۳، ۴۶۶). برخی مورخین عماره را پسر حمزه نامیده‌اند. که از همسر دیگر حمزه، خوله بنت قیس بن فهدبن ثعلبه بن غنم بن مالک بن النجار (وفات نامعلوم)، به دنیا آمده است (بن اثیر، ۱۴۱۷، ۴، ۱۴۸) برای خوله فرزند دیگر به نام یعلی نیز گفته شده است. (ابن سعد، ۸، ۴۴۴) ابن سعد مادر یعلی و عامر دو پسر حمزه را یک بانوی انصاری با نسب، بنت الملهٔ بن مالک بن عبادهٔ بن حجر بن فائد بن الحارث بن زید بن عبید بن زید بن مالک بن عوف بن عمرو بن عوف اوسی ذکر کرده است. (ابن سعد، ۳، ۸) که شاید اسمش همان لبیبه باشد که بیان شده است (قیسی دمشقی،۷، ۲۸۹) امه الله نام دیگری است برای اسامی فرزندان حمزه (مسعودی،۱، ۹۷). درهرحال برای حمزه نسلی نمانده است (ابن سعد،۳، ۹).

حمزه علاوه بر اینکه عموی پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌باشد برادر رضاعی حضرت هم

است و وقتی پیشنهاد ازدواج با دختر حمزه به حضرت داده شد به همین دلیل رد کردند. که گویا آن دختر همان عماره یا امامه بوده که پیامبر (صلی‌الله علیه وآله)، وی را از میان مشرکان مکه به مدینه منتقل کرده و سرپرستی وی را به خاله‌اش اسماء و همسرش جعفربن ابی‌طالب سپردند. (ابن سعد، ۸، ۱۵۸) حمزه را با ظاهری خوش قامت و دارای ذوق شعری و اهل شکار توصیف کرده‌اند. (ابی حاتم،۱۰، ۳۳۰۱) که در جنگ‌ها قادر بود هم‌زمان با دو دستش شمشیر بزند. (ابن سعد،۲، ۱۳)

از هم‌پیمانان حمزه، ابو مرثد الالغنوی و پسرش مرثد بن ابی مرثد (سدوسی، ۱، ۶) و جعونه بن شعوب اللیثی (ابن جوزی، ۸، ۳۱۷) را می‌توان نام برد. در مراسم خواستگاری خدیجه (علیهاالسلام) علاوه بر ابوطالب حضور حمزه هم ذکر شده است. (بلاذری،۱، ۴۲) که این امر حکایت از همدلی حمزه با ابوطالب درباره زندگی پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌کند.

۲. اسلام آوردن حمزه

در مورد مسلمان شدن حمزه، زمان اسلام آوردن ایشان و تبعات آن را در حوادث اسلام مهم دانسته‌اند.

الف) زمان اسلام آوردن حمزه

اسلام آوردن حمزه را هم‌زمان با جسارت ابوجهل نسبت به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) گفته-اند که با ریختن ضایعات روده به حضرت موجبات خنده همفکرانش را فراهم کرد و حمزه ناراحت از این اهانت به دفاع از حضرت پرداخت و در پی آن با خود گفت مانع ایمان من به ایشان چه می‌باشد. شهادتین را گفت و خطاب به ابوجهل اشعاری سرود. گر چه آمده که شیطان درصدد وسوسه‌ی وی شد تا از اسلام ایشان را منصرف کند ولیکن پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) به انذار و موعظه وی پرداخت. حمزه به صداقت حضرت شهادت داد. (ابن اسحاق،۱، ۱۵۲) این حاکی از اسلام آگاهانه و با بصیرت وی به دور از تعصب و صرف غصب ضد دشمنان پیامبر (صلی‌الله علیه وآله)، می‌باشد.

برخلاف برخی نقل‌هایی که زمان مسلمان شدن حمزه در اواسط بعثت در مکه می‌دانند، قرائنی دلالت بر اسلام حمزه در اوایل بعثت می‌کند ازجمله گزارشی از زمان ایمان آوردن طلیب بن عمیر در خانه ارقم آمده که می‌گوید: وی نزد مادرش اروی خواهر حمزه آمد و وقتی مادر را دعوت به اسلام کرد او از اسلام آوردن حمزه پرسید و گفت اگر برادرانم ایمان بیاورند مسلمان

می‌شوم و وقتی متوجه شد حمزه مسلمان شده، وی نیز اسلام آورد (ابن ابی شیبه،۱، ۳۴۵) یـا در مورد اسلام آوردن صفیه گفته شده که وی با اسلام آوردن حمزه اسلام آورد و اسـلام صـفیه در ابتدای بعثت بوده است. (ابن حجر،۱، ۹۹) یا در نقلی دیگر از جمع چهل نفری مسلمانان در منزل ارقم در سال سوم بعثت خبرمی دهد که ازجمله حمزه را هـم جـز آن‌هـا شـماره مـی‌کنـد. (ابـن حبان،۱، ۷۳). ابن عبدالبر (۴۶۳ق) اسلام حمزه را در سال دوم بعثت بیان می‌کند. (ابن عبدالبر،۱، ۳۶۹).

مجموع این گزارش‌ها حاکی از آن است که خبر هم‌زمان ایمان آوردن حمزه و عمربن خطاب (۲۴ق) در سال ششم بعثت، (ابن حنبل، ۱، ۲۸۱) صحیح نیست و اسلام حمزه خیلی زودتر اتفـاق افتاده بود.

ب) پیامدهای اسلام حمزه

در منابع آمده که اسلام آوردن حمـزه موجـب عـزت اسـلام شـد و بـا مسـلمان شـدن وی مسلمانان زیاد شده و کثرت یافتند و ایشان مانع از آزار کفار به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌شـد و اسلام حمزه موجب آشفتگی سران قریش شده و شروع به دادن پیشنهادهای کلان بـه پیـامبر (صلی‌الله علیه وآله) کردند (ابن اسحاق،۴، ۱۸۷)

این گزارش‌ها برخلاف خبری است که اسلام صحابی دیگر ماننـد عمـربن خطـاب را سـبب عزت اسلام می‌دانند. (بلاذری،۳، ۳۸۶) چون با اسلام عمرخطاب واکنش خاصی از قـریش علیـه پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) رخ نمی‌دهد.

مقابله به مثل حمزه در برابر اهانت‌های سـران شـرک ماننـد ابوجهـل (۲ق) و ابولهـب (۲ق) گزارش شده که وقتی آن‌ها به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله)جسارت کرده و مزبله به حضـرت مـی-ریختند حمزه چنین کاری را با شدت بیشتر نسبت به آن‌ها تلافی می‌کرد و موجبات ترس آنان را فراهم می‌کرد. (بلاذری،۱، ۵۹)

حمایت‌های حمزه در زمان تحریم‌های همه‌جانبه قریش ضد بنی‌هاشـم در شـعب ابـی‌طالـب موجب شد که دشمن پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) که همـه‌جانبـه حضـرت را احاطـه کـرده بودنـد نتوانند به حضرت آسیب برسانند. (طبری، ۱، ۵۵۰)

ج) عقد اخوت

بستن پیمان برادری توسط پیامبر (صلی‌الله علیه وآله)، در بین مسلمین بـا معیارهـای خـاص مانند توازن در ایمان و با اهداف مختلف، چون ایجاد مواسات صورت می‌گرفت. (بلاذری،۱، ۱۱۷)

این پیمان ابتدا در بین مسلمانان مکه و سپس در بین مهاجران و انصار بسته شد. (حلبی،۲، ۲۹۲) در راستای این امر رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) بین حمزه و زیدبن حارثه پیمان برادری بستند. (ابن سعد،۴، ۴۲) و این پیمان تا آخر باقی بود و حمزه در قبل شهادتش زید را وصی خویش قرار داده بود. (واقدی، ۱، ۱۹۱)

۳. هجرت حمزه به مدینه

حمزه به حبشه مهاجرت نکرد ولی از پیشگامان هجرت به مدینه بود.

الف) اقامت حمزه در مدینه

حمزه را از نخستین مهاجران به مدینه گفته‌اند. (هیثمی،۱، ۱۶۷) که در ورود به مدینه در منزل کلثوم بن هدم (۱ق) یا سعدبن خیثمه. (ابن سعد،۳، ۹) یا اسعدبن زراره مقیم شد. (نویری،۱۶، ۲۳۰) در مدینه پیامبر (صلی‌الله علیه وآله)با حمزه روابط نزدیکی داشت و نقل حضرت به منزل وی رفته و غذا تهیه می‌کرد و با هم تناول می‌کردند. (زمخشری، ۲، ۱۶۲) درمورد تقسیم پارچه‌ای از غنائم توسط پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) بین فواطم بنی‌هاشم، فاطمه دختر حمزه هم ذکر شده که از عنایت ویژه‌ی حضرت به خانواده حمزه حکایت می‌کند. (ابن عبدالبر، ۱۴، ۲۵۱)

در ماجرای سدالابواب که تمام درب‌های منازل جز درب منزل امام علی(علیه‌السلام) بسته شدند، در حمزه هم مسدود شد که گویا موجب ناراحتی وی و شکایتش به محضر پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌شود. (سمهودی،۱، ۵۳)

ب) نبردهای حمزه

اولین پرچمی که در اسلام بسته شده را از آن حمزه گفته‌اند که در ماه هفت هجری، مصادف با ماه رمضان، پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) وی را با سپاه سی‌نفری روانه ساحل دریای سرخ، مسیر کاروان تجاری ابوجهل می‌کند. (واقدی، ۱، ۲۰) وجود اشعاری از ایشان مؤید اول پرچم‌داری او است. (ابن کثیر، بی‌تا، ۲، ۳۵۲)

در ربیع‌الاول سال دوم هجرت پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) به غزوه ذات الابواء روانه شده و پرچم سفیدی برای حمزه بستند. (طبری، ۲، ۱۴)

غزوه ذات العشیره در ماه جمادی الثانی، ۱۶ ماه از هجرت توسط پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) شکل گرفت که در این غزوه پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) پرچم سفیدی از برای حمزه بستند (ابن

سعد، ۲، ۹)

در رمضان سال ۲ هجری پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) با عده‌ای از یارانش ازجمله حمزه در منطقه بدر، مقابل سپاه قریش قرار گرفتند که در ابتدا قریش درصدد حمله به تجهیزات سپاه اسلام بود که مهاجم توسط حمزه به قتل رسید. با هماورد طلبی سران قریش که خواستند هم آورد آن‌ها هم‌شأنشان باشد، پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) همراه امام علی (علیه‌السلام) و عتبه بن حارث بن عبدالمطلب، حمزه را هم به‌سوی دشمن فرستاد که توانست هماوردش عتبه بن ربیعه، پدر هند همسر ابوسفیان را به قتل برساند و در این نبرد کسانی از سپاه شرک هلاک کرد که اسامی آن‌ها قید شده است. (ابن هشام،۴، ۸۴) رشادت‌های قهرمانان بدر ازجمله حمزه موجب کینه‌توزی از سوی صاحبان مقتولین شد و درصدد انتقام سخت برآمده و به طرح نقشه برای ترور آنان پرداختند.

در پی انتقام‌جویی از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) و یاران مجاهدش در نبرد بدر که بزرگانی از سران شرک را به هلاک رسانده بودند جنگ احد را راه‌اندازی کردند با شنیدن خبر حرکت قریش، جوانان پرشور و حمزه خواهان نبرد در خارج مدینه بودند حمزه روزه بود و می‌گفت افطار نمی‌کنم مگر با دشمن در بیرون شهر نبرد کرده باشم. شب قبل پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) خواب قربانی کردن گاوی را دیده بودند که آن را به کشته شدن فردی از خاندانش تعبیر کردند. (طبری،۴، ۱۶۵؛ واقدی،۱، ۲۴۹)

نبرد جانانه حمزه با دشمن شکل گرفت غافل از اینکه کینه‌ورزان بدر درصدد ترور وی هستند. هند بنت عتبه به وحشی حبشی وعده آزادی از بردگی داد به‌شرط قتل یکی از سه قهرمان اسلام و وی دید که کشتن حمزه که آسان‌تر است ایشان را با پرتاب زوبین شهید کرد و بدن حمزه توسط هند مثله شد. (واقدی، ۱، ۲۴۶) او نذر کرده بود که از خون حمزه بنوشد و از کبدش بخورد (مقدسی،۴، ۱۹۸) و با سرودن اشعاری شعف خویش را از کشتن حمزه نمایان می‌کند. (ابن ابی طاهر،۱، ۳۳۰) وی ملقب به آکله الاکباد شد. (جزری، ۱، ۲۵۷) پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) و یارانش محزون فقدان شهدا بودند. حضرت عمویش را در یکپارچه کفن کرد و نماز خواند. (ابن سعد، ۳، ۱۵)

ج) زیارت قبر حمزه

پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) قبر حمزه را زیارت می‌کرد و می‌فرمود هر کس به شهدا احد سلام کند تا قیامت پاسخش را می‌شنود. صحابه نیز زیارت این قبور را می‌کرده و سلام می‌دادند و

پاسخ سلامشان را می‌شنیدند. (بیهقی، ۳، ۳۰۸) در حدیثی با سند صحیح آمده که حضرت زهرا (علیهاالسلام) به زیارت قبر حمزه می‌رفت و نماز می‌خواند و گریه می‌کرد. (اندلسی، ۲، ۳۳) و آن را تعمیر می‌کرد. (ابن همام، ۳، ۵۷۴) ام سلمه همسر پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) هرماه به زیارت قبر حمزه می‌رفت. (ابن ابی الحدید، ۱۵، ۱۳۴) دیدن قبر حمزه هم باعث ناراحتی ابوسفیان می‌شد. وی در زمان عثمان پایش را به قبر حمزه کوبید و گفت، آن چیزی که شما برای آن شمشیر می‌زدید امروز ملعبه دست کودکان ما شده است. (همان، ۱۶، ۸۱) بعدها معاویه خواست آبراهی در محل قبور احد احداث کند جنازه سالم حمزه بعد از چهل سال پیدا شد که با اصابت ضربه‌ای به پایش خون تازه از آن جاری شد. (ترمذی، ۴، ۱۱۰) قبه و بارگاه شهدای احد تا قرون متأخر هم چنان باقی بود. (سمهودی، ۱، ۲۶۳) از حمزه روایات چندی هم در منابع وارد شده است. (طبرانی، ۱، ۴۲۴)

فضائل حمزه

با توجه به مواردی از قرآن و سنت رسول (صلی‌الله علیه وآله) و برخی صحابه به طرح مناقبی از حمزه عموی پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) پرداخته می‌شود.

حمزه در تفاسیر اهل سنت

۱. آیه: «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» ای نفس آرام: یکی از شأن نزول‌های این آیه را در مورد حمزه آورده‌اند. (ابن بسطام، ۱، ۵۰۶)

۲. آیه: «وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُون» گمان نبرید کسانی که درراه خدا کشته شدند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند. (آل‌عمران، ۱۶۹) نقل شده در مورد شهدا احد ازجمله حمزه نازل شده است. (ابن منصور، ۳، ۱۱۰۳)

۳. آیه: «وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ لِلصَّابِرین» اگربه شما عقوبتی رسید باید به قدر آن انتقام بکشید و اگر صبر کنید برای صابران بهتر است. (نحل، ۱۲۶) در مورد دعوت پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) به صبر در برابر مصیبت حمزه و انصراف حضرت از قصد تلافی جنایت رفته بر حمزه است. (ابن سلیمان، ۲، ۲۴۴) گر چه خداوند در «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِیهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَه» با توجه به صبر حضرت در شدت غم عمویش ایشان را الگوی همه معرفی می‌کند. (همان، ۳، ۴۲)

۴. آیه: «أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات»، کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند با بدکاران یکسان قرار نمی‌گیرند. (جاثیه، ۲۱) را در مورد افرادی از بنی‌هاشم ازجمله حمزه نقل کرده‌اند. (همان، ۳، ۲۱۴)

۵. آیه: «هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فی رَبِّهِمْ فَالَّذینَ كَفَرُوا» کسانی که در دین خدا به جدال پرداختند دشمن هم هستند (حج،۱۹) را در مورد سه قهرمان بدر، امام علی (علیه‌السلام) و حمزه و عتبه بن حارث گفته‌اند که بر هماوردانشان فائق شدند. (بخاری،۴، ۱۴۵۸)

۶. آیه: «وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا ...» نه سستی کنید نه غمگین باشید. (آل‌عمران، ۱۳۹) دلداری پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) در غم شهادت حمزه و یارانش است. (ابن منصور،۲، ۳۶۹)

۷. آیه: «... الَّذی تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ ...» در مورد ارحام کوتاهی نکنید... (نساء، ۱) که یکی از اقوال در مورد «ارحام»، حمزه است (ابن شبه،۲، ۸۴)

۸. آیه: «أَ فَمَنْ وَعَدْناهُ وَعْداً حَسَنا ...» آیا به کسی که وعده بهشت داده. (قصص، ۶۱) یکی از اقوال شأن نزول این آیه را درباره حمزه گفته (طبری،۲۰، ۱۳۱)

۹. آیه: «وَ اصْبِرْ وَ ما صَبْرُكَ إِلاَّ بِاللَّهِ وَ لا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لا تَكُ فی ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُون» برای خدا صبر کن و از کفار غمگین نباش و از مکرشان دلگیر نشو (نحل، ۱۲۷) را در مورد صبر پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) به فقدان حمزه آورده‌اند. (سمعانی،۳، ۲۱۱)

۱۰. آیه: «مِنَ الْمُؤْمِنينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْه»، کسانی از مؤمنان به عهدشان وفا کرند. (احزاب، ۲۳) را در مورد حمزه و یارانش آورده‌اند. (همان، ۴، ۲۷۱)

۱۱. آیه: «أَمَّنْ يَمْشی سَوِيًّا عَلی صِراطٍ مُسْتَقيمٍ» کدام بر مسیر هدایت هستند؟(ملک، ۲۲) یکی از شأن نزول‌ها را درباره حمزه آورده‌اند. (همان، ۶، ۱۳)

۱۲. آیه: «أَ وَ مَنْ كانَ مَيْتاً فَأَحْيَيْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشی بِهِ فِی النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلُماتِ لَيْسَ بِخارِجٍ مِنْها ...» آیا کسی که کسی که از جهل نجات دادیم و روشنی دادیم و سرافرازاست باکسی که در گمراهی است یکی است؟(انعام، ۱۲۲) یکی از مصادیق نور را حمزه عموی پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) گفته‌اند. (بغوی، ۲، ۱۲۸)

۱۳. آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً عَبْداً مَمْلُوكاً لا يَقْدِرُ عَلی شَیْءٍ وَ مَنْ رَزَقْناهُ مِنَّا رِزْقاً حَسَناً» آیا کسی بر چیزی قادر نیست با مرد آزاد بخشنده و متمول یکی نیست (نحل، ۷۵) ازجمله اقوال در مورد مصداقشان نزول این آیه را حمزه آورده‌اند. (ابن عطیه، ۲، ۳۴۱)

۱۴. آیه: «وَ الَّذینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ» مومنان به خدا و رسـول آنـان از صادق‌ها هستند (حدید، ۱۹) ازجمله اقوال بیان شده در مورد ایـن آیـه دربـاره حمـزه مـی‌باشـد. (سیوطی، بی‌تا، ۲، ۴۴۳)

۱۵. آیه: «أَ فَمَنْ یَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمی إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ» آیا کسی که به‌یقین می‌داند قرآن از خداست با کافر نابینا یکی است؟ (رعـد، ۱۹) از اقـوال بیـان شده درباره این آیه که نقل شده در مورد حمزه وابی جهل است. (ابن عطیه، ۳، ۳۰۹)

۱۶. آیه: «وَ الْخَیْلِ الْمُسَوَّمَةَ ...» (آل‌عمران، ۱۴) ازجمله اقوال این آیه را در مـورد رزمنـدگان غزوه بدر ازجمله حمزه آورده‌اند که دارای نشانه خاصی بود. (رازی، ۸، ۵۸)

۱۷. آیه: «وَ ادْخُلی جَنَّتی» (فجر، ۳۰) را دارای مصادیقی ازجمله درباره حمزه بیان کـرده‌انـد. (سلمی دمشقی، ۳، ۴۵۲)

۱۸. آیه: «وَ إِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِکَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِینَ مَقاعِـدَ لِلْقِتـالِ» صـبحگاهی را از خانـه بـه کارزارمی رفتی یا آر (آل‌عمران، ۱۲۱) در مورد خواب پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) قبل از غزوه احد بیان شده که دیدند گاوی کشته شده و آن را به کشته شدن بزرگی از خانواده خود تعبیـر کردنـد که عمویش حمزه به شهادت رسید. (قرطبی، ۴، ۱۸۵)

۱۹. آیه: «إِنَّ الَّذینَ ... أَ فَمَنْ یُلْقی فِی النَّارِ خَیْرٌ أَمْ مَنْ یَأْتی آمِناً یَوْمَ الْقِیامَـةِ ...» کسـی کـه دوزخ را ببیند بهتراست یا مؤمن به قیامت؟(فصلت، ۴۰) از اقوال مطرح شده در مورد این آیه کـه ایمانش ستایش می‌شود، حمزه می‌باشد. (همان، ۱۵، ۳۶۶)

۲۰. آیات: «وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ ... » کسی که بعد تحمل ظلـم انتقـام‌جـویی کنـد بـاکی نیست (شوری، ۴۲ ـ ۴۱) شأن نزول این آیه را درباره حمزه و عبیده و امـام علـی (علیـه‌السـلام) نقل کرده‌اند. (همان، ۱۶، ۴۴)

۲۱. آیه ۲۲سوره زمر: «أَ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلی نُورٍ مِنْ رَبِّه کسـی کـه خـدا سینه‌اش را برای اسلام شرح داده به نور الهی روشن است» (زمـر، ۲۲) شـأن نـزول ایـن آیـه را درباره حمزه و امام علی (علیه‌السلام) و ابولهب و پسرش آورده‌اند. (بیضاوی، ۵، ۶۴)

آیات فوق از درجه بالای ایمان و عمل حمزه حکایت می‌کند و شخصیت مؤیـد الهـی وی را تأکید می‌کند.

حمزه در سنت رسول (صلی‌الله علیه وآله)

در این قسمت جایگاه شخصیت حمزه با تمرکز در گفتار و رفتار پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) بررسی می‌شود.

الف) حمزه در قول رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله)

۱. حمزه به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) گفت برای من چیزی قرار بده که موجب زندگی‌ام باشد و حضرت فرمود نفسی که حیات‌بخش باشد را می‌خواهی یا نفسی که مرگ‌آور باشد؟ و حمزه گفت: نفس حیات‌بخش را طالبم و پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) فرمود: نفس تو چنین است. (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۵) در این سخن نبی مکرم ص وجود حمزه در حد نفس و حیات حضرت تثبیت شده که فقدانش برای پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) حزن وافری در پی داشت.

۲. پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) فرمودند هر پیامبری هفت رفیق نجیب و وزیر داشت ولی من چهارده‌تا دارم. حمزه جزء این ۱۴نفراست. (ابن حنبل، ۱، ۲۲۸)

۳. مردی به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) گفت نام نوزاد پسرم را چه بنامم؟ و حضرت فرمود نام محبوب‌ترین‌ها به من حمزه را اسم‌گذاری کن. (ابن مسلم،۱، ۱۳۹)

۴. پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) فرمودند جبرئیل خبر داد که حمزه در آسمان هفتم اسدالله و اسد رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) نامیده شده است. (ابن هشام،۴، ۴۵) این گزارش از میزان رشادت کم‌نظیر حمزه حکایت می‌کند.

۵. رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) فرمودند: حمزه سیدالشهدا است و نیز کسی که حاکم ستمگری را امربه‌معروف و نهی از منکر کند. (حاکم نیشابوری، ۳، ۲۱۵)

۶. پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) در روایتی فرمودند: افضل شهدا حمزه بن عبدالمطلب می‌باشد (طبرانی، ۱، ۲۸۱) البته این افضلیت تا آن زمان بوده است.

۷. رسول اکرم (صلی‌الله علیه وآله) فرمودند: ملائکه را دیدم که حمزه را غسل می‌دادند. (انصاری، ۱، ۵۱)

۸. در روایتی پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌فرماید: کریم‌ترین شهدا حمزه است و کسی که حاکم جور را امربه‌معروف و نهی از منکر کنند. (ابن عبدالبر، ۱۳، ۱۵۳)

۹. رسول اسلام (صلی‌الله علیه وآله) در شمارش افتخارات خاندانشان برای دخترشان حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌فرماید: شهدای ما بهترین شهدا هستند و او حمزه بن عبدالمطلب عموی توست. (سلمی، ۱، ۲۲۵) و در نقل دیگری حضرت به صفیه خواهر حمزه تعبیر بهترین

شهید را برای وی می‌آورند. (همان، ۳۷۲) و در خبری دیگر می‌فرماید، بهتـرین کشـته‌هـا بعـد از هابیل، انبیاء شهید و بعد از آن‌ها مؤمن آل فرعون و سپس صـاحب یاسـین و سـپس حمـزه بـن عبدالمطلب هست. (ابن حماد، ۲، ۴۷۱)

۱۰. در نقلی پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌فرماید: در بهشت پرواز جعفر با ملائکه و حمزه بـا یارانش را دیدم. (ابن خطیب، ۱، ۱۰۸) و در خبری حضرت فرمودند: در بهشـت حمـزه را کـه بـر تخت تکیه زده بود را دیدم. (حاکم نیشابوری، ۳، ۲۱۷)

۱۱. حضرت رسول (صلی‌الله علیه وآله) در خبری می‌فرماید: بهترین برادرم علی (علیه‌السلام) و بهترین عمویم حمزه می‌باشد. (اصفهانی، ۴، ۲۲۳۳)

۱۲. در حدیثی که سیوطی میزان صحت آن را بالا دانسته و برخلاف برخی از موضوع بـودن خارج کرده، پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌فرماید: در قیامت چهار نفر سواره هستند که خودشان و علی (علیه‌السلام) و صالح (علیه‌السلام) و حمزه عمویش را ذکر می‌کنند. (بغدادی، ۱۳، ۱۲۲)

۱۳. در حدیثی که مفصل است پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) خود را سرور سه برگزیده می‌نامد و امام علی (علیه‌السلام) و جعفر طیار و حمزه را به‌عنوان سه برگزیده معرفی می‌کند. (جرجانی، ۱، ۲۲۳) و سیوطی تنها اشکال در سند این حدیث را وجود یک راوی شیعه می‌داند. (سیوطی، بی‌تا، ۱۲، ۱۷۲)

۱۴. پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) هر ندبه‌ای را در مقابل ندبه بر حمزه ناچیز می‌شمارد. (همـان، ۵، ۲۴۲)

۱۵. در موقع شهادت حمزه پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) با اندوه زیاد به او نگاه کرده فرمودنـد: حقاً که صله‌رحم کردی و در خوبی‌ها پیشتاز بودی بعد از حزن تو چیزی من را شاد نمـی‌کنـد تـا اینکه خدا من را با شما محشور کند. (طبرانی، ۳، ۱۴۳)

۱۶. رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) برای حمزه خواهان اقامه عزا شد و فرمود حمزه گریه کن در مدینه ندارد. زنان انصار جهت تسلی حضرت به سوگواری حمزه پرداختند. (ابن ابـی شـیبه، ۳، ۶۳)

با توجه به آنچه درباره حمزه از رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) ذکر شد، شخصیت خاص وی را در نزد حضرت نشان می‌دهد.

ب) حمزه در سنت فعل رسول (صلی‌الله علیه وآله)

در بخش دوم شخصیت حمزه در سنت رسول به سنت فعلی حضرت دراین‌باره پرداخته مـی-

شود.

۱. در هنگام نماز بر شهدا احد پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) اولین کسی که برایش تکبیر گفت حمزه بود و هفت تکبیر به وی گفتند. (ابن سعد، ۲، ۴۳) سپس سایر شهدا را می‌آوردند و در کنار جنازه می‌گذاشتند و حضرت نماز می‌خواند و می‌بردند و همچنان جنازه حمزه بود تا اینکه هفتاد (حاکم نیشابوری، ۳، ۲۱۸) یا هفتادودو (جزری، ۱، ۲۵۸) تکبیر برایشان گفتند.

۲. در زمان شهادت حمزه غمی از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) گزارش شده که هرگز نظیر آن در هیچ‌وقتی از حضرت دیده نشد. (ابن هشام،۴، ۴۵) عبدالله بن مسعود گوید پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) در شهادت حمزه چنان شدید می‌گریست که چنین شدتی را در گریستن حضرت ندیدیم. (طبری، ۱، ۱۸۱) و حضرت به‌گونه‌ای سوزناک به جنازه حمزه می‌نگریست که هرگز مانندش را مشاهده نکردیم. (ابن سعد، ۳، ۱۳) حضرت همواره محزون حمزه بود و به وحشی قاتل وی فرموده بود که هرگز مقابل دیدگانش ظاهر نشود. (ابن قتیبه، ۱، ۳۳۰) تا یاد این داغ بزرگ تازه نگردد. در این اخبار احترام بی‌نظیر پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) به مقام شامخ شهادت حمزه بیان می‌شود که حضرت برای کسی چنین رفتاری را در شهادتش انجام ندادند.

حمزه از زبان خودش

از خود حمزه نقل شده که روزی به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) گفتم آیا می‌توانی جبرئیل را با چهره خودش ببینی؟ و حضرت فرمود بله و به من اشاره کرد که سر جایت بنشین و وقتی‌که مشرکان مشغول طواف کعبه شدند فرمود سر خود را بالا بیاور و من نگاه کردم پاهایش را دیدم که مثل زبرجد سبزرنگی بود (ابن سعد، ۱۳، ۱۲)

حمزه مدح رسول اکرم (صلی‌الله علیه وآله) را می‌گفت ازجمله این بیت که در شأن پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) سروده:

أغر کأن البدر مسنهٔ وجهه جلا الغیم عنه ضوءه فتبددا (سیوطی،۵، ۷۷)

حمزه از دیدگاه دیگران

جایگاه شخصیت حمزه بن عبدالمطلب در نظرگاه نزدیکان وی ازجمله صحابه و نیز در زمان-های بعد از عصر آنان، از مسائل مهم در رابطه با شناخت او می‌باشد.

۱. حمزه و صحابه

امام حسن (علیه‌السلام)(۵۰ق) در موقع مسمومیت خویش برای آرام کردن حزن امام حسین

(علیه‌السلام) (۶۱ق)، یادآوری می‌کند غم فقدان بزرگ‌ترین شخصیت‌های خانـدانش کـه بعـد از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) و امام علی (علیه‌السلام)۴۰ق و فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) (۱۱ق) و خدیجه کبری (سلام‌الله علیها)(۱۰بعثت)، از حمزه و جعفر طیار (۸ق) یـاد مـی‌کنـد. (تـاریخ ابـن معین، ۳، ۵۰۶)

صفیه (۵۲ق) خواهر حمزه، وی را وزیر پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌نامد. بهترین وزیر می-داند که خداوند او را به‌سوی بهشت خویش دعوت کرده و امید مسیر حق در قیامت از بـرای وی دارد.

فقـل الخبیـر إن حمـزۀ قد ثوی وزیر رسول الله خیـــر وزیـــر
فذلک مـا کنـا نـرجی و نرتجی لحمـزۀ یـوم الحشر خیر مصیر (ابن کثیر، ۴، ۲۴)

عبدالرحمن بن عوف (۳۲ق)، در توصیف شهدا احد از مصعب بـن عمیـر و حمـزه یـاد کـرده گوید: آن‌ها به شهادت رسیدند در حالی کفن نداشتند و بهتر از من بودند. (بخاری، ۴، ۱۴۸۷)

کعب بن مالک انصاری (۵۰ق) گوید: باکرامت‌ترین شهدا در اسلام حمزه است که ملائکه وی را می‌ستایند. (ابن حماد، ۲، ۴۴۴) وی در اشعاری به مرثیه‌سرایی حمزه می-پردازد.

بکتْ عینی و حُقَّ لـها بکـاهـا و مـا یُغْنی البکـاءُ ولا العـویـلُ

عبدالله بن رواحه (۸ق) نیز در سوگ حمزه می‌گزید و مرثیه سرایی می‌کند. از صـفیه و زنـان می‌خواهد بر اسدالله بگریند.

صفیـۀ قـومی ولا تعجـزی و بکی النساء علی حمز
علی اسـد الإله غـداۀ قالـوا أحمزۀ ذاکم الرجل القتیل (ابن هشام،۴، ۱۱۶)

حسان بن ثابت (۵۴ق) نیز در اشعاری از غم فراغ حمزه در مقابل شادمانی کفار پاسـخ گویـد: که از حمزه و یارانش نگویید که آنان کشته خدا و مطیع اویند.

فلا تذکروا قتلی وحمزۀ فیهم قتیل ثوی لله و هو مطیع (همان، ۴، ۹۹)

شخصیت مقبول حمزه و وجود فضائل فراوان در ایشان زبان مدح خویشـان و صـحابه را در وصف وی به‌وفور گشوده است.

۲. علما و حمزه

ابن اثیر (۶۳۰ق) گوید: وجود حمزه و اسلامش را موجـب قـوت یـافتن مسـلمانان شـد و بـا مسلمان شدن وی اسلام آشکار شد. (ابن اثیر، ۱، ۶۰۲)

مقدسی (۵۰۷ق) اسلام حمزه را موجب عزت پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) و ناامیدی سران شرک می‌داند که باعث شد آنان با سرگشتگی دست به فشارهای بیشتر نسبت به پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) زدند. (مقدسی، ۴، ۱۴۸)

ابن جزری (۶۳۰ق) گوید: اسلام حمزه موجب خوف و نگرانی در مشرکان شد. (جزری، ۱، ۱۴۴)

در کتاب مصارع العشاق به نقل از ابوسائب مخزومی تابعی (۶۸ق)، حمزه را سید العشاق نامیده که در زمان حکمرانی عمر بن عبدالعزیز بر مدینه نقل می‌کند که مردم مزار حمزه را به خاطر بزرگداشت پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) محترم شمرده و به تعداد تکبیرهای پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) بر عمویش، بر مرقد وی هفتاد شتر نحر می‌کنند. (سراج، ۲، ۳۰۲)

رفعت مقام حمزه موجب شد تا اینکه در سده‌های بعد هر گز یادش و مرقدش فراموش نگردد و همواره به یاد این صحابی گرانقدر در مزارش یاد و عظمتش را بزرگ دارند.

یافته‌های بحث

با تفحص در کتب اهل سنت درباره حمزه بن عبدالمطلب، چهره خاصی از وی در برابر ما ترسیم می‌شود و از وی فردی را برای ما نمایان می‌سازد که در جاهلیت هم با دارا بودن صفات ویژه‌ای موردتوجه عام و خاص است و از او به‌عنوان انسانی اثرگذار و صاحب‌امتیازهای بارز در همان عصر یاد می‌شود. ارادت ایشان به‌خصوص پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه وآله) در آن مقطع زمانی هم هویداست که نمونه‌ای از آن همراهی ایشان با ابوطالب در انجام ازدواج پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌باشد. با ظهور اسلام، حضور مؤثر او را در عقب راندن توهین‌های سران شرک ضد پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) شاهد هستیم امتداد مسیر حمایت‌های وی از اهداف رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) موجبات رعب و وحشت را جبهه کفر فراهم می‌سازد و بعد ایشان را جز افراد طراز اول اسلام قرار می‌دهند که باید از برای حذف فیزیکی‌اش هزینه جداگانه‌ای را مصروف کنند.

ایثارگری‌های همه‌جانبه وی سبب می‌شود پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) از او در رهبری تشکل-های نظامی بهره‌مند شوند و حمزه نیز با اطاعت‌های مخلصانه خویش از خدا و رسول مورد رضایت آن‌ها واقع شده و شأن نزول آیات چندی در قرآن و شأن صدور روایات در تأیید فضائل حمزه، این ادعا را به اثبات می‌رساند که گاه پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) چندان ایشان را مورد

لطفش قرار داده که در نوع خود بی‌نظیر است گرچه شـأن ایـن همـه عظمـت وی موردحسـادت حاسدان قرارگرفته و بعدها حتی سعی در حذف مرقد وی می‌کنند ولیکن به یاری خداوند جایگـاه این شهید والامقام آشکارتر می‌گردد و صحابه و تابعین و علما همواره سعی در حذف منزلت ایـن صحابی و عموی بزرگوار رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) می‌کنند.

منابع و مآخذ

۱. ابن ابی الحدید، أبو حامد عز الدین بن هبه الله بن محمد بن محمد بن أبی الحدید المدائنی، شرح نهج البلاغهٔ ابن ابی الحدید، تحقیق، محمد عبد الکریم النمری، دار النشر، دار الکتب العلمیهٔ ـ بیروت، ۱۹۹۸.

۲. ابن ابی حاتم، ابن ادریس رازی، تفسیر، تحقیق محمد الطیب، مکتبه العصریه، صیدا، بی‌تا.

۳. ابن ابی شیبه، أبو بکر عبدالله بن محمد بن أبی شیبه کوفی، الکتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار، تحقیق، کمال یوسف الحوت، چاپ اول، دارالنشر، مکتبهٔ الرشد ، الریاض، ۱۴۰۹.

۴. ابن اثیر، أبو الحسن علی بن أبی الکرم محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی، الکامل فی التاریخ، تحقیق، عبدالله القاضی، دارالنشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵.

۵. ابن اثیر، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد الجزری، أسد الغابهٔ فی معرفهٔ الصحابهٔ، تحقیق، عادل أحمد الرفاعی، دار النشر، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۶ م.

۶. ابن اسحاق، محمد بن إسحاق بن یسار، سیره ابن إسحاق (المبتدأ و المبعث و المغازی)، تحقیق، محمد حمید الله، دار النشر، معهد الدراسات و الأبحاث للتعریف،

۷. ابن بسطام، یحیی بن معین بن عون بن زیاد بن بسطام بن عبد الرحمن، الجزء الثانی من حدیث یحیی بن معین الفوائد، تحقیق، خالد بن عبدالله السبیت، دار النشر، مکتبه الرشد، ریاض، ۱۹۹۸.

۸. ابن جزری، شمس‌الدین محمد بن محمد جزری، مناقب الأسد الغالب، دارالنشر، بی‌تا.

۹. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج، المنتظم فی تاریخ الملوک والأمم، دار النشر، دار صادر، بیروت، ۱۳۵۸.

۱۰. ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم تمیمی، بستی الثقات، تحقیق، السید شرف‌الدین أحمد، دار النشر، دارالفکر، ۱۹۷۵.

۱۱. ابن حماد، نعیم بن حماد مروز، کتاب الفتن، تحقیق، سمیر أمین الزهیری، دار النشر، مکتبۀ التوحید، قاهرۀ، ۱۴۱۲.
۱۲. ابن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشیبانی، فضائل الصحابه، تحقیق، د. وصی الله محمد عباس دار النشر، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۳.
۱۳. ابن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله شیبانی، مسند امام أحمد بن حنبل، دار النشر، مؤسسه قرطبه، مصر، بی‌تا.
۱۴. ابن خطیب، أبی العباس أحمد بن الخطیب، وسیلۀ الإسلام بالنبی علیه الصلاۀ و السلام، تحقیق، سلیمان العید المحامی، دار النشر، دارالغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۸۴.
۱۵. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع أبو عبدالله البصری ابن سعد الزهری، طبقات الکبری، دارالنشر، دار صادر، بیروت.
۱۶. ابن طیفور، أبو الفضل أحمد بن أبی طاهر، بلاغات النساء، ادار النشر، بی‌تا.
۱۷. ابن عبد البر یوسف بن عبد الله بن محمد، الاستیعاب فی معرفۀ الأصحاب، تحقیق، علی محمد البجاوی دار النشر، دارالجیل، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. ابن عطیه، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطیۀ اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق، عبد السلام عبد الشافی محمد، دار النشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۳م.
۱۹. ابن قتیبۀ، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه، المعارف، تحقیق، دکتور ثروت عکاشۀ، دار النشر، دارالمعارف، القاهرۀ، بی‌تا.
۲۰. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی دمشقی، السیرۀ النبویۀ لابن کثیر، دارالنشر، بی‌تا.
۲۱. ابن مسلم، عبد الله بن وهب بن مسلم القرشی أبو محمد مصری، الجامع فی الحدیث، تحقیق، د. مصطفی حسن حسین أبو الخیر، دار النشر، دار ابن الجوزی، السعودیه، ۱۹۹۶.
۲۲. ابن معین، یحیی بن معین أبو زکریا، تاریخ ابن معین، تحقیق، د. أحمد محمد نور سیف، دارالنشر، مرکز البحث العلمی و إحیاء التراث الإسلامی، مکۀ مکرمه، ۱۳۹۹.
۲۳. ابن منصور، سعید بن منصور، سنن سعید بن منصور، تحقیق، د. سعد بن عبد الله

بن عبد العزیز آل حمید، دار النشر، دار العصیمی، الریاض، ۱۴۱۴.
۲۴. ابن هشام، عبد الملک بن هشام بن أیوب الحمیری المعافری أبـو محمـد، السـیره النبویه لابن هشام، تحقیق، طه عبد الرئـوف سـعد، دارالنشـر، دار الجیـل، بیـروت، ۱۴۱۱.
۲۵. ابن همام، أبو بکر عبد الرزاق الصنعانی ابن همام، المصنف، تحقیق، حبیب الـرحمن الأعظمی، ج ۵، چاپ دوم، دار النشر، المکتب الإسلامی، بیروت،
۲۶. اصفهانی، لأبی نعیم الأصبهانی، معرفه الصحابه، دار النشر،
۲۷. اندلسی، عمر بن علی بن أحمـد الوادیاشـی الأندلسـی، تحفـۀ المحتـاج إلـی أدلـۀ المنهاج، دارالنشر، دارحراء، مکه المکرمه، تحقیـق، عبـد الله بـن سـعاف اللحیـانی، ۱۴۰۶.
۲۸. انصاری، محمد بن عبـد الله الأنصـاری، حـدیث محمـد بـن عبـد الله الأنصـاری، تحقیق، مسعد عبد الحمید محمد السعدنی، دار النشر، أضواء السلف، ریاض، ۱۹۹۸.
۲۹. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، الجامع الصحیح المختصر، چاپ سوم، تحقیق، مصطفی دیب البغا، ج ۱ و ۳، دارالنشر، دار ابـن کثیـر، الیمامـه، بیروت، ۱۹۸۷.
۳۰. بغوی، تفسیر البغوی، تحقیق، خالد عبد الرحمن العکژ، دارالنشر، دارالمعرفه، بیروت.
۳۱. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر البلاذری، انساب الأشراف، ج ۱، دارالنشر، بـی‌نـا، بی‌جا، بی‌تا.
۳۲. بیضاوی، تفسیر البیضاوی، دارالنشر، دارالفکر، بیروت، بی‌تا.
۳۳. بیهقی، دلائل النبوه، ج ۲، دار النشر.
۳۴. ترمذی، محمد بن علی بن الحسن أبو عبد الله الحکیم الترمذی، نوادر الأصول فـی أحادیث الرسول صـلی الله علیـه و سـلم، تحقیـق، عبـدالرحمن عمیـره، دارالنشـر، دارالجیل، بیروت، ۱۹۹۲.
۳۵. جرجانی، راشد بالله یحیی بن حسین بن إسماعیل حسنی شجری جرجـانی، کتـاب الأمالی وهی المعروفه بالأمالی الخمیسـیه، تحقیـق، محمـد حسـن اسـماعیل، دار النشر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۲۰۰۱.
۳۶. حاکم، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین،

تحقیق، مصطفی عبد القادر عطا، دارالنشر، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰.
۳۷. حلبی، علی بن برهان الدین الحلبی، السیرة الحلبیة فی سیرة الأمین المأمون، دارالنشر، دار لمعرف، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۳۸. خطیب بغدادی، أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، دارالنشر، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳۹. رازی، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی، التفسیر الکبیریا مفاتیح الغیب، دارالنشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۲۰۰۰.
۴۰. زمخشری، محمود بن عمر زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق، علی محمد البجاوی، محمد أبو الفضل إبراهیم، دارالنشر، دارالمعرفه، لبنان، بی‌تا.
۴۱. سدوسی، أبو فید مؤرج بن عمرو سدوسی، حذف من نسب قریش، دار النشر، بی‌تا.
۴۲. سراج، أبو محمد جعفر بن أحمد بن الحسینی السراج القارئ، مصارع العشاق، تحقیق، محمد حسن محمد حسن إسماعیل، أحمد رشدی شحاته، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۸ .
۴۳. سلمی، امام عز الدین عبد العزیز بن عبد السلام سلمی دمشقی شافعی، تفسیر القرآن اختصار النکت للماوردی، تحقیق، الدکتور عبد الله بن إبراهیم الوهبی، دار النشر، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۱۶.
۴۴. سلمی، شافعی سلمی (م)، عقد الدرر، فی أخبار المنتظر (م)، دارالنشر، بی‌تا.
۴۵. سمعانی، أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار السمعانی، تفسیر القرآن، تحقیق، یاسر بن إبراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، دار النشر، دار الوطن، الریاض، السعودیه، ۱۴۱۸.
۴۶. سمهودی، علی بن عبد الله بن أحمد حسنی سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفی، دار النشر، بی‌تا.
۴۷. سیوطی، الحافظ جلال الدین عبد الرحمن سیوطی، جامع الاحادیث (الجامع الصغیر و زوائده و الجامع الکبیر)، دار النشر، ۹۱۱ ق.
۴۸. سیوطی، عبد الرحمن بن أبو بکر، جلال الدین، اسماء المدلسین، دار النشر
۴۹. سیوطی، عبد الرحمن بن الکمال جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، دار النشر، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۳.

۵۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق، عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، دار النشر، دارالکتب لعلمیه، بیروت، ۱۴۱۴.
۵۱. طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی، المعجم الأوسط، تحقیق، طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهیم الحسینی، دارالنشر، دار الحرمین، القاهره، ۱۴۱۵.
۵۲. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن أیوب أبوالقاسم الطبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق، حمدی بن عبدالمجید السلفی، دارالنشر، مکتبه الزهراء، الموصل، ۱۴۰۴.
۵۳. طبرانی، سلیمان بن أحمد طبرانی أبو القاسم، الدعاء للطبرانی، تحقیق، مصطفی عبد القادر عطا، دار النشر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۵۴. طبری، أبی جعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ طبری، دارالنشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، بی‌تا.
۵۵. طبری، محب الدین أحمد بن عبد الله الطبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، دارالنشر، دارالکتب المصریه، مصر.
۵۶. طبری، محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، جامع البیان، دارالنشر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵.
۵۷. عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، الإیثار بمعرفهٔ رواهٔ الآثار، تحقیق، سید کسروی حسن، دار النشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۵۸. قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد أنصاری قرطبی، الجامع لأحکام القرآن، دار النشر، دار الشعب، القاهره، بی‌تا.
۵۹. قیسی، ابن ناصر الدین شمس الدین محمد بن عبد الله بن محمد قیسی دمشقی، توضیح المشتبه فی ضبط أسماء الرواهٔ و أنسابهم و ألقابم و کناهم، تحقیق، محمد نعیم العرقسوسی، دارالنشر، مؤسسهٔ الرساله، بیروت، ۱۹۹۳م.
۶۰. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین بن علی مسعود، التنبیه والإشراف، دار النشر، بی‌تا.
۶۱. مقاتل، أبو الحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر الأزدی بالولاء البلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق أحمد فرید، ج ۲، چاپ اول، دارالنشر، دار الکتب العلمیه، لبنان،

بیروت، ۱۴۲۴.
۶۲. مقدسی، المطهر بن طاهر المقدسی، البدء و التاریخ، دارانشر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۶۳. نمری، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر نمری، التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید، تحقیق، مصطفی بن أحمد العلوی، محمد عبد الکبیر البکری، دار النشر، وزارة عموم الأوقاف و الشؤون اسلامیه، مغرب، ۱۳۸۷ ق.
۶۴. النمیری، أبو زید عمر بن شبه النمیری البصری، تاریخ المدینة المنوره، تحقیق، علی محمد دندل و یاسین سعد الدین بیان، دار النشر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷.
۶۵. نووی، محی الدین بن شرف نووی، تهذیب الأسماء و اللغات، تحقیق، مکتب البحوث و الدراسات، دار النشر، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۶.
۶۶. نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب النویری، نهایة الأرب فی فنون الأدب، تحقیق، مفید قمحیه و جماعه، ج ۱۶، چاپ اول، دارالنشر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴.
۶۷. هیثمی، علی بن أبی بکر الهیثمی، مجمع الزوائد، دارالنشر، دارالریان للتراث، دار الکتاب العربی، القاهره، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۶۸. واقدی، أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد، کتاب المغازی، تحقیق، محمد عبد القادر أحمد عطا، چاپ اول، دارالنشر، دار الکتب العلمیه بیروت، ۱۴۲۴.
۶۹. یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح الیعقوبی، تاریخ یعقوبی، دارانشر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.